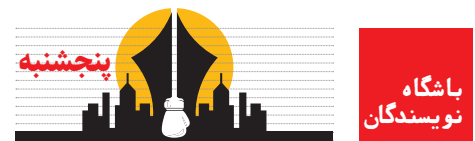


همیشه‌ری

ما از موده‌ایم در این شهر بخت خویش بیرون کشید باید از این ورطه زحمت خویش حافظ



باشگاه نویسندگان

قلندر تبریز

حمیدرضا محمدی
روزنامه‌نگار

اعمال حیرت‌آور ستارخان روی ایران را در اوایل قرن چهاردهم هجری در تمام خارجه سفید گردانید و می‌توان او را بارزترین نمونه شجاعت و دل‌آوری و مردی و مردانگی و وطن‌پرستی نژاد ایرانی محسوب داشت علی‌اکبر دهخدا

۴ماه از فتح تهران گذشته بود که مجلس دوم شورای ملی، در هفتم ذی‌القعده ۱۳۲۷ (۱۲۹۸ بیان ۱۲۸۸) از ستارخان قراچه‌داغی و هم‌رزمش باقرخان قدرانی کرد که «مجلس شورای ملی جنابزایان را از قید اسارت و زندان آزاد کرد» و ستارخان را «مجلس سراسر ملی و باقرخان سالار ملی و دیگر غیرتمندان تبریز را نخستین علت آزادی و خلاصی ملت ایران از قید اسارت و رقیب ارباب ظلم و عدوان می‌داند و از مصایب و شدائدی که آن فرزندان مجازای وطن و سیر اهالی غیرتمند آذربایجان برای سعادت ابدی و نیکامی ایران تحمل کرده‌اند، تشکرات صمیمی عمومی ملت ایران را تقدیم می‌نماید.» و البته ستارخان سیدحسین تقی‌زاده و سیدنصرت‌الله نقوی سخن گفتند تا رشادتهای این ۲ فرزند رشید آذربایجان هم برای آزادی و بل آبادی ایران از یوغ استعمار داخلی و استعمار خارجی جامعه رزم پوشیدند، به جنگ رفتند، یارانی از دست دادند و حتی خود نیز صدمه روحی و جسمی دیدند اما ماندند و پایبندند، از تبریز تا تهران، لحظه‌ای از پیش و کوشش فروگذار نکردند و پایتخت را از استبداد صغیر رهانیدند.

و ستارخان که حالا زاده‌روزش، ۵۶ ساله می‌گذرد، در یادی صف بود، آغازگر مبارزه بود، طلاهدار نبرد بود. نوشته‌اند که چون خون برادر بزرگش اسماعیل را، آبادی محمدعلی میرزای ولیعهد ریختند، کینه‌توزش شده بود و به همین سبب به جرگه مخالفتش پیوست. اما چه باک که او عیار تبریز بود؛ از اغنیای می‌ستاند و به فقیران و یتیمان می‌داد. حامی مظلومان بود، چون جوانمرد بود. به پاک‌دستی و راستی و درستی شهره افواه بود. سواد نداشت و خواندن و نوشتن نمی‌دانست اما فنون سوارکاری را نیک بلد بود و به‌دقتی بی‌مانند تیر می‌انداخت. ایران دوست و وطن‌پرست بود که اگر نبود، وقتی روس‌ها با حمایت محمدعلی شاه تبریز را محاصره و بعد، اشغال کردند، تهدیدش کردند که اگر بیریق سفید بر در خانه‌ها برافراشته نشود، به‌مثابه اعلان جنگ است، حاضر به تمکین و تسلیم نشد و وقتی خواستند امان‌نامه برایش بفرستند و امانش دهند، سینه‌اش را استبر کرد و به کنسول روسیه تزاری در تبریز که پاختیانوف نام داشت - نقل به مضمون - گفت که «فکر تکلیف بر در خانامه پرچم خواهم زد، بلکه می‌خواهم هفت ملت زیر بیرق ایران باشد.»

او اگرچه کامیاب شد و به مقصود منظور رسید؛ تهران را فتح کرد و اجنبی را البته عجلاتاً دفع و رفع کرد و مستبد جوان را ساقط کرد اما از مشروطه‌خواهان همیاری و همراهی ندید. عزلت‌گزین و گوشه‌نشین شد. دل‌شکسته شد که به کناری نهداندش. در زمانه‌ای که جولانگه خیلی‌ها شده بود، بیماری جان و فسرده‌گی روح مستولی‌اش شد و از میدان به در شد اما در مکتوبی مههور به نام او، در ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ (۱۷ خرداد ۱۲۸۹) خطاب به علی‌رضاخان عضدالملک، نایب‌السلطنه احمدشاه نوشت تا آنگدان بماند که در حقیقت در خانه‌نشینی اجباری هم در اندیشه میهن بود: «بعد از بمباران آسمانان مجلس این خادم ملت استقلال وطن عزیز خود را در خطر دیده جان به کف نهاده با تمام قوای خود در تشییع مبانی حریت و استرداد حقوق مضطوبه ملت به‌فقری که می‌توانستم کوشیدم. آخراً لایمر بیریق استقلال ایران را که عبارت از مشروطیت است بلند کرده و کعبه آمال مسلمین ز نو تأسیس ساخت. بعد از این هم تا آخرین قطره خون خود در حفظ و حراست احترامات واجبه آن مقام مقدس بذل مجتهد خواهم نمود و از هیچ‌گونه مجاهدت مضایقه و دریغ نخواهم کرد. اشخاص دیگر از روی غرض حق مداخله به امورات ندارد و کلاهی محترم تکلیف قانونی و وظیفه امروزی خودشان را بهتر می‌دانند.»

دیالوگ

هزارستان

علی‌حاجتی
ایرانیان و اسماعیل، هر دو در یک تن بودند، بسا من، پس گفتم، ایرانیان، اسماعیلیت را قربانی کن، که وقت، وقت قربانی کردن است. قربانی کردم در این قربانگاه، و جوهر این دفتر، خون اسماعیل است، پسری که ندارم، دریغ که گوسفندی از غیب نرسید برای ذبح، قلم نی، از نیستان می‌رسیدی در کفم روان، نی خود، نفیر داشت، نفس از من بود، نه نغمه، من می‌دیدم چون دم زدن دم‌بدم.

فراخوان

بی‌تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می‌بینید، ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روز، روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس با شماره ۰۲۳۶۳۶۳۶ بگیرد یک تپاری رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.



بدون مخلفات

تا بوده همین بوده. برای ما مردم، غذا همیشه مهم بوده. هست و خواهد بود و برای همین تا دل‌تان بخواهد در کوچه و خیابان‌های شهر مان پر است از مغازه‌هایی که کارشان سیر کردن شکم مردم است. خیلی بعید است به خیابانی بروید و اثری از یک ساندویچی، رستوران، بستنی فروشی یا قنادی در آن نبینید. ایمن روزها، اما، گرانی مواد اولیه باعث شده کار و کاسبی خوراکی فروش‌ها به‌ویژه رستوران‌ها و فست‌فودی‌ها کمی کساد شود و آدم‌ها ترجیح می‌دهند به جای پرداخت پول برای غذای بیرون، آن هم چند برابر گذشته، غذایشان را در خانه میل کنند. به همین دلیل هم تعداد مشتری‌های رستوران‌ها و ساندویچی‌ها کم شده و به همین نسبت تعداد فست‌فودی‌ها و رستوران‌ها هم کمتر شده، چرا که تعطیلی طولانی به‌علت کرونا و بعد هم گرانی، باورش‌کنسگی رستوران‌داران همراه شده است. آنهایی هم که در این اوضاع و احوال دوام آورده‌اند، دست به ابتکارهایی برای کم کردن هزینه‌ها زده‌اند! به غیراز بالا رفتن قیمت‌ها در منوی رستوران‌ها، برخی صاحبان فست‌فودها چیزهایی مثل دستمال کاغذی و سس را از روی میزهایشان جمع کرده‌اند و طبق شواهد مثلا برای یک پیتزای دونفره، یک



نجات زمین با علف‌های دریایی

جسم شناور مزاحمی که در اقیانوس وجود دارد، پلاستیک است. یک مشکل برای احداث این مزارع، رساندن موادغذایی به آنهاست. جریان آب اقیانوسی، به‌شدت نمکی است و گیاهان در آن نمی‌توانند چشمگیر و عملی‌است. ایده این است که یک مزرعه بسیار بزرگ، چیزی به اندازه کشور کرواسی، در جایی از اقیانوس اطلس جنوبی، در جایی بین آفریقا و آمریکای جنوبی شناور شود و به بالایش جو زمین کمک کند. این مزرعه از علف‌های دریایی که در جریان‌های طبیعی اقیانوسی این ور و آن ور می‌رود، سالانه میلیاردها تن دی اکسید کربن از جو اتمسفر می‌گیرد و آن را به کف اقیانوس انتقال می‌دهد. این نخستین بار است که یک مزرعه در این اندازه تا این حد عملی به‌نظر می‌رسد و این سرمایه کافی جذب کند. یک تاجر که مسئول احداث این مزارع است، گفته که این کار به‌طور چشمگیری به مبارزه با کاهش گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کند. طرح او، یک مزرعه ۵۵هزار کیلومترمربعی است که سالانه می‌تواند ۵۵گیگا تن دی اکسید کربنی که بشتر وارد اتمسفر می‌کند را بکشد؛ هر گیگاتن، یک میلیارد تن است. این مزرعه فعلا در مرحله آزمایش است و نمونه‌های کوچک‌تری در مکزیک و دریای کارائیب ساخته شده‌اند. کار آنها تنها جذب دی‌اکسید کربن نیست و هر جسم شناور روی اقیانوس را هم جذب می‌کند؛ شناخته‌ترین

حضرت امیر المؤمنین علی؛

بدترین مردم کسانی هستند که دیگران از ترس شرشان از آنان بگریز می‌کنند.

ادان طلهر: ۱۱:۴۹ - غروب آفتاب: ۱۷:۲۳
ادان مغرب: ۱۷:۴۱ - نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۷
ادان صبح فردا: ۴:۵۲ - طلوع آفتاب فردا: ۶:۱۶

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

مدیرمسئول: عبدال... گنجی
مدیر: سردر: دانیال معمار

پدیرش آگهی:

تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

توزیع و اشتراک:

موسسه نشرگستر امروزنویز
تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

چاپ: همشهری

تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فریسی، شماره ۱۴
کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶
تهران، صندوق‌پستی ۱۹۳۵۱۵۴۴۶

تلفن:

۲۳۰۳۳۰۰۰
تهاب: ۰۶۷-۲۳۰۴۶۰۰۰

فرهنگ و زندگی

روزگار نخواندن

امیر جلال‌الدین مظلومی

فرهنگ و هنر و ادبیات ندارد و اشتغال به آن روال گذشته را برنمی‌تابد؛ چه در گذشته تفریحات دیگری از جنس تئاتر، سینما، موسیقی و... در ارتباط با کتاب و دارای نزدیک‌ترین حس به مطالعه بودند. از این‌رو کسی با پرداختن به آنها نه تنها از مطالعه باز می‌ماند، بلکه بیشتر به این کار راغب می‌شد. چه بسیار کتابخوان‌هایی که مسیر ورودشان به جهان کتاب از کنسرت و سینما و سالن‌های مطالعه می‌گذشت. در این میان نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و برنامه‌های متعدد فرهنگی و اجتماعی نیز بی‌تأثیر نبودند و بسا برپایه‌های هر یک از آنها می‌شد تأثیرشان را بر افزایش میل به مطالعه در جامعه بررسی کرد. اما بر این تفریحات نیز همان می‌رود که بر سر کتاب، آنها نیز خواب مخاطب و روزگار خوش رونق می‌بینند، اینکه چرا دیگر چنان نیست؟ و با وجود تأکید فراوان بر لزوم و فایده و تأثیر مثبت مطالعه، اوضاع کتاب چنین است؟ می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. اما حتی اگر از

همین منظر یعنی قابلیت تفریحی کتاب و به‌دفعه هم سریع این موضوع برویم، باید گفت چنانچه اشاره شد و با وجود اینکه کتاب از شناخته‌شده‌ترین و بهترین ابزار برای بهینه‌سازی اوقات است، حتی کسانی که بیگاری‌های کشتار و ممتد و متعدد دارند نیز از چنین تفریحی بی‌بهره مانده‌اند.

۱۲۰۰تیر روز جهانی بوکی استخوان ■ طرح: همشهری / مجید صالحی

میمون زمین‌دار



هند، واقعا سرزمین عجایب است و بخشی از این عجایب، توجه مردم به حیوانات است. میمون‌ها در جاهایی از هند را می‌توان خوش‌شانس‌ترین حیوانات دنیا دانست. در یک روستای کوچک به نام اولپار در ایالت ماهاراشترا، این حیوانات چنان ارج و قربی دارند که مردم، زمین‌به‌نام آنها می‌کنند. در یک موزه، یک میمون چنان مورد احترام مردم روستاست که ۳۲جریب زمین به نامش شده است. غذا دادن به میمون‌ها و تحمیل کردن آنها در محیط‌های شهری و روستایی در هند پدیده‌ای عمومی است. با این حال این میزان توجه، خود هندی‌ها را هم شوق کرده است. زمین‌زراعی در هند مسئله‌ای حیاتی است و گاهی انسان‌ها در گریز بر سر این زمین‌ها، همدیگر را می‌کشند. همین مسئله اهدای زمین به میمون‌ها آنها را غافلگیر کرده است.

جذب پشه با بو



درباره خیلی‌ها به شوخی گفته می‌شود که به‌اصطلاح آهن‌ریزی پشه‌ها هستند و هر جا می‌روند، این حشرات سمج هم با آنها می‌روند. این مسئله اما فراتر از شوخی است و حالا دانشمندان کشف کرده‌اند که بعضی از افراد، واقعا طوری هستند که پشه‌ها به آنها جذب می‌شوند. دلیل این کار، نوع بویی است که بدن این افراد دارد. این افراد، مواد شیمیایی خاصی در پوستشان تولید می‌کنند که پشه‌ها به بوی آن علاقه خاصی دارند. خبر بد برای این افراد این است که پشه‌ها، چنان به این بو علاقه دارند که تا جایی که می‌توانند، وفادارانه در کنار صاحب آن بو می‌مانند. دانشمندان در پژوهش خود در این باره، نایلون‌هایی را به‌بازی ۴۶تفر بستند و بعد این نایلون‌ها را در معرض پشه‌ها قرار دادند. آنها مشاهده کردند که روی بعضی از این نایلون‌ها، پشه‌های بیشتری نشستند و از نمونه‌ها جدا نمی‌شدند. دانشمندان این کار را نمونه‌های کم‌مخاطب‌تر تکرار کردند و در نهایت مشخص شد که کدام نمونه، پشه‌های بیشتری را جذب کرده است. تفاوت بین این نمونه‌هایی که نمونه‌های ضعیف‌اولیه بسیار زیاد بود و دانشمندان دریافتند که توجه پشه‌ها به نمونه‌هایی، ۱۰۰ برابر بیشتر از نمونه‌اولیه بوده است. دانشمندان می‌گویند یک اسید به‌خصوص روی پوست موردعلاقه‌ترین بوی پشه‌ها را تولید می‌کند.